

بررسی راهکارهای جلب مشارکت‌های مردمی با پلیس در راستای ارتقاء امنیت

اجتماعی (مورد مطالعه: شهرستان بوشهر)

مجیدرضا کریمی^۱، عباس خواجه‌ای^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر «بررسی راهکارهای جلب مشارکت‌های مردمی با پلیس در راستای ارتقاء امنیت اجتماعی در شهرستان بوشهر در سال ۱۳۹۴» است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ساکنان بالای ۱۵ سال این شهرستان، حجم نمونه تحقیق ۳۸۴ نفر و روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی شامل میانگین، آزمون‌های t دو نمونه‌ای مستقل، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی شفه استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که: بین ارزیابی شهروندان و کارشناسان انتظامی، وضعیت شغلی و سطح تحصیلات پاسخگویان با میزان ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی در سطح ۵٪ تفاوت معنادار آماری وجود داشته اما بین ارزیابی شهروندان دارای سابقه مشارکت و فاقد سابقه مشارکت از راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معنادار آماری وجود ندارد؛ همچنین نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که بین ارزیابی پاسخگویان بر اساس جنسیت آنان از راهکارهای جلب مشارکت مردمی با پلیس در شهرستان بوشهر رابطه معنادار آماری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت مردمی، امنیت اجتماعی، جلب مشارکت، پلیس، بوشهر

^۱- هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، گروه جامعه‌شناسی

^۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول)

Email:

a.khajeji@gmail.com

مقدمه

یکی از جدیدترین عرصه‌های بروز مشارکت، مشارکت در برقراری نظم و امنیت است. این نوع مشارکت با بروز مسایل و معضلات فرهنگی و اجتماعی جامعه اهمیتی دو چندان یافته است. اما باید توجه داشت در اجرای این مأموریت (تأمین نظم و امنیت) نیروی انتظامی هر قدر هم توان علمی، نیروی انسانی و تجهیزاتی را افزایش دهد، به تنهایی قادر به پیشگیری از وقوع جرم و تأمین نظم و امنیت نخواهد بود و تنها راه مشارکت مردمی است. مشارکت مردم و استفاده از ظرفیت‌های مردم در برنامه‌های نیروی انتظامی موجبات برقراری نظم و امنیت پایدار در جامعه را فراهم می‌سازد (محمدی، ۱۳۸۹؛ حسن آبادی، ۱۳۸۹ و رجب زاده، ۱۳۸۹). در سال‌های گذشته نحوه مشارکت شهروندان با نیروی انتظامی در سطوح بسیار پایین و ابتدایی صورت می‌پذیرفت که این امر موجبات نارضایتی عمومی از عملکرد ناجا را در پی داشته است، لذا به منظور رفع این مشکل و فراهم نمودن بسترهای جلب مشارکت شهروندان با نیروی انتظامی تمهیداتی به عمل آمد که امکان جلب مشارکت عمومی در مأموریت‌های ناجا را بیش از پیش فراهم آورده است. بنابراین مشارکت در برقراری نظم و امنیت یکی از اهداف نیروی انتظامی بوده که لازم است برنامه‌ریزی صحیحی برای آن انجام دهد.

برنامه‌هایی از سوی نیروی انتظامی در جهت جلب مشارکت مردمی در برقراری نظم و امنیت در کشور صورت گرفته که از آن‌ها می‌توان برنامه همیاری پلیس، نواختن زنگ نظم و انضباط اجتماعی در مدارس کشور، برگزاری مانورهای با مشارکت مردم، طرح پارکبان، واگذاری بخشی از خدمات پلیسی به بخش خصوصی، طرح پلیس محله و ... را ذکر کرد. حال باید به دنبال راه‌حلی گشت تا بتوان از آن طریق شهروندان بوشهری را در همکاری با نیروی انتظامی مشارکت داد اما متأسفانه به دلیل اینکه اطلاعاتی در خصوص میزان مشارکت مردم در دست نیست نمی‌توان اقدامی انجام داد و راه کارهایی ارائه نمود و نمی‌توان انتظار مشارکت حداکثری شهروندان را داشت. علی‌رغم اهمیتی که بحث مشارکت مردمی در تأمین امنیت دارد اما تاکنون هیچ‌گونه تحقیقی در زمینه گرایش شهروندان بوشهری به مشارکت با نیروی انتظامی استان صورت نگرفته که در این مقاله سعی داریم ضمن بررسی میزان مشارکت شهروندان بوشهری با نیروی انتظامی، مهم‌ترین زمینه‌هایی را که شهروندان بوشهری به مشارکت با نیروی انتظامی تمایل دارند را شناسایی نماییم. بنابراین مسئله اساسی این است که

میزان مشارکت شهروندان بوشهر با نیروی انتظامی استان تا چه اندازه است و از دیدگاه شهروندان مهم‌ترین راهکارهای جلب مشارکت‌های مردمی با پلیس در راستای ارتقاء امنیت اجتماعی کدام‌اند؟

بیان مسئله

موضوع مشارکت و چگونگی تحقق آن گرچه ریشه در تاریخ دیرینه ملت‌ها دارد و جوانب مختلف مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور ما در طول تاریخ بر اساس مشارکت‌های مردم استوار بوده است، لیکن این مفهوم امروز اهمیتی دو چندان پیدا کرده و همواره به عنوان یک ضرورت تاریخی در عرصه‌های گوناگون مورد بحث بسیاری از اندیشمندان و دست‌اندرکاران به ویژه در زمینه‌های مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است به گونه‌ای که به نظر برخی از اندیشمندان محور اساسی توسعه بر مشارکت کلیه نیروها استوار است. با عنایت به این واقعیت که رشد ملی نه فقط به مدد منابع مادی بلکه بیشتر به یاری و مشارکت انسان‌ها صورت می‌پذیرد و تصمیمات گروهی توجه به نیازهای محلی و گروهی، رودررویی مستقیم با مسائل و حل فوری آن نیز به مدد اندیشه و تفکر جمعی امکان‌پذیر است (سعیدی، ۱۳۸۲).

در جهان امروز، مشارکت آحاد جامعه با سازمان‌های متولی اداره امور جامعه ضرورتی انکارناپذیر است و این مشارکت در جهت پیشبرد هر چه بهتر مأموریت‌های سازمان‌ها، نقش مؤثری دارد. از جمله سازمانهایی که زمینه‌های بالقوه مشارکت مردم در آن بسیار قوی بوده و مشارکت دو جانبه در بهبود وظایف و انجام مأموریت‌های آن قابل ملاحظه است، سازمان پلیس کشور می‌باشد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد مردم از جهات عمده نظیر زمینه‌های اقتصادی، روانی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آمادگی نسبی مشارکت با ناجا را دارند (کرامتی و ملتفت، ۱۳۸۲). در حال حاضر میزان مشارکت مردم در فعالیت‌هایی که در حوزه اقدامات پلیس قرار دارد در سطح مطلوبی قرار ندارد. بی‌گمان یکی از دلایل این امر را باید در میزان اعتماد آنان به عملکرد پلیس جستجو کرد. نتیجه برخی تحقیقات نیز نشان دهنده این موضوع می‌باشد (انصاری، ۱۳۸۲). در ایران از لحاظ تاریخی همواره رویکردی اقتدارگرا از سوی حاکمیت و نهادهای نظامی و انتظامی در برقراری نظم و امنیت دنبال می‌شده است. از این رو از یک طرف حاکمیت و نهادهای نظامی و انتظامی کمترین توجه را به جلب اعتماد و مشارکت اجتماعی مردم معطوف داشته‌اند و از طرفی هم مردم کمترین مشارکت انتظامی را در عرصه مشارکت اجتماعی از خود جلوه‌گر ساخته‌اند. در واقع می‌توان گفت تا قبل از انقلاب اسلامی امنیت برآمده از صرف اقتدار و حاکمیت پلیسی مسلط بر جامعه بوده است. در نتیجه شاهد آن هستیم که همواره مشارکت مردم در امور انتظامی با نیروهای برقرار کننده نظم امنیت در سطوح پایینی بوده

است. حتی در کشور یک روحیه پلیس ستیزی را از لحاظ تاریخی شاهدیم که این روحیه خود منبعث از روحیه قانون‌گریزی بوده است چرا که مردم به قانون به عنوان مقرراتی برای حفظ منافع حاکمیت می‌نگریسته‌اند (وروایی، ۱۳۸۴). به رغم تلاش‌های بسیار جدی از سوی مسئولان نیروی انتظامی و تغییراتی که در رویکردهای ناجا صورت پذیرفته است، هنوز هم وجود متغیرهای نظیر سهیم بودن، پذیرش و رفتار قابل اعتماد در بدنه نیرو نهادینه نشده است و این موضوع می‌تواند همچنان از میزان اعتماد و در نتیجه میزان مشارکت شهروندان در فعالیت پلیس بکاهد. تا زمانی که مردم هیچ سودمندی را در رابطه مبتنی بر اعتماد حس نکنند طبعاً علاقه‌ای به مشارکت پیدا نخواهند کرد و زمانی مشارکت به صورت جدی تحقق خواهد یافت که فرد نقش خود را در پیشبرد اهداف سازمان جدی و ملموس تلقی کند. نیروی انتظامی جهت افزایش میزان اعتماد مردمی و همچنین بالا بردن میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی پلیس، در سال‌های اخیر اقدام به تأسیس برخی واحدها از جمله اداره کل مشارکت عمومی، دفتر نظارت همگانی و واحد ۱۱۰ نموده است که هدف اولیه آن استفاده از دیدگاه‌های مردمی در جهت دهی به سیاست‌های نیروی انتظامی در زمینه تأمین امنیت جامعه می‌باشد. از آنجایی که این واحدها نیازمند حمایت و یا مشارکت مردمی هستند، لذا قبل از هر چیز مستلزم پیش شرط‌هایی می‌باشند که مهم‌ترین آن، اعتماد مردم به نیروی انتظامی است. زمانی که مردم به ناجا اعتماد داشته باشند، به مشارکت بیشتر ترغیب خواهند شد.

در سال‌های گذشته نحوه مشارکت مردم با پلیس در سطوح بسیار پایین و ابتدایی صورت می‌پذیرفت که این امر موجبات نارضایتی عمومی از عملکرد ناجا را در پی داشته است لذا به منظور رفع این مشکل و فراهم نمودن بسترهای جلب مشارکت و همکاری عمومی با نیروی انتظامی تمهیداتی به عمل آمد که امکان جلب مشارکت‌های عمومی در مأموریت‌های ناجا را بیش از پیش فراهم آورده است. بنابراین مشارکت عمومی در برقراری نظم و امنیت یکی از اهداف پلیس بوده که باید برنامه‌ریزی صحیحی در این زمینه انجام پذیرد. به منظور جلب همکاری و مشارکت مردمی در برقراری نظم و امنیت در کشور، برنامه‌هایی از سوی نیروی انتظامی صورت گرفته که از جمله این برنامه‌ها می‌توان برنامه همبازی پلیس، نواختن زنگ نظم و انضباط اجتماعی در مدارس کشور، برگزاری مانورهای با مشارکت مردم، طرح پارکبان، واگذاری بخشی از خدمات پلیسی به بخش خصوصی، طرح پلیس محله و... را ذکر کرد. حال باید به دنبال راه‌حلی گشت تا بتوان از آن طریق مردم را در همکاری با نیروی های انتظامی مشارکت داد اما متأسفانه به دلیل اینکه اطلاعی در خصوص میزان مشارکت مردم در دست نیست نمی‌توان اقدامی انجام داد و راه کاری اساسی ارائه نمود و نمی‌توان انتظار مشارکت

حداکثری مردم را داشته باشیم. علی‌رغم اهمیتی که بحث مشارکت مردم در برقراری نظم و امنیت دارد اما تاکنون تحقیقات اندکی در زمینه گرایش‌های مردم به مشارکت با پلیس صورت گرفته که در این تحقیق سعی داریم ضمن بررسی وضعیت مشارکت مردم شهرستان بوشهر با پلیس راه کارهایی را برای توسعه مشارکت آنان ارائه دهیم تا با استفاده از آن بتوان مشارکت حداکثری مردم را در ارتقای امنیت اجتماعی با پلیس شاهد باشیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در حال حاضر، به دلیل اهمیت موضوع مشارکت مردمی، در هر سازمانی، بخشی تحت عنوان "کمک‌ها یا مشارکت‌های مردمی" تشکیل شده است که علاوه بر صرفه‌های مادی، ارزش‌های معنوی و فرهنگی مانند افزایش حس اعتماد و تعامل مستقیم با مردم را فرآوری می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که مشارکت اگر سابقاً ضرورتی عقلانی بوده، امروزه به صورت نیاز اخلاقی - انسانی درآمده است. مشارکت یکی از ارزش‌های مهم انسانی اخلاقی است که با خود عنصری از مسئولیت‌پذیری و عمل آگاهانه و آزادانه را حمل می‌کند.

مقوله مشارکت بنیان زندگی اجتماعی است و امنیت ضروری‌ترین نیازهای جامعه بشری قلمداد می‌شود. نیروی انتظامی متولی امری است که عزت و اقتدار و یا برعکس نابودی و اضمحلال جوامع و حکومت‌ها بدان وابسته است. چون امنیت مقوله‌ای کاملاً اجتماعی است، لذا مشارکت عمومی و تعامل مردم با پلیس ضامن امنیت اجتماعی پایدار است و شناخت پلیس از شاخص‌های مؤثر بر افزایش این عامل و مشارکت مردمی و راهکارهای حفظ و ارتقاء این تعامل در جهت نیل به تأمین امنیت مطلوب از اهمیت بالایی برخوردار است. حال باید به دنبال راه‌حلی گشت تا بتوان از آن طریق مردم را در همکاری با نیروی های انتظامی مشارکت داد اما تاکنون تحقیقات اندکی در زمینه گرایش‌های مردم به مشارکت با پلیس صورت گرفته است، بر این اساس در این تحقیق قصد داریم راهکارهای مناسبی برای مشارکت بیشتر مردم شهرستان بوشهر با نیروی انتظامی ارائه تا از این طریق بتوانیم زمینه برقراری نظم، انضباط و امنیت اجتماعی را مهیا نموده و سطح مشارکت اجتماعی مردم نسبت به برنامه‌های این سازمان را افزایش دهیم.

مبانی نظری تحقیق

امروزه با تغییر شرایط، مقوله امنیت جایگاه و منزلتی چند جانبه در زندگی انسان یافته است. در گذشته امنیت با بقای جان تعریف می‌شد، جامعه‌ایمن جامعه‌ای بود که از هجوم اقوام یا عناصر مهاجم در امان بود. در این فضا، امنیت، مقوله‌ای نظامی و خشن بود که مانند اقتصاد به مهم‌ترین نیاز انسان

یعنی بقا می‌اندیشید. در واقع امنیت روی دیگر سکه ترس بود. اما در جامعه امروزین، امنیت معنای دیگری یافته است و از خوف و وحشت فراتر رفته و به نیازی فرهنگی و مدنی تبدیل شده است. امنیت دیگر به سان فرصت تحولات اجتماعی تلقی می‌شود، اهمیت کارکردها و فرصت‌های حاصل شده از امنیت سبب شده است که حول این موضوع نهادهایی تشکیل شود که سازمان پلیس در کانون همه قرار دارد.

در شاخص‌های جهانی مربوط به کیفیت زندگی، امنیت یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده و موثر به حساب می‌آید. از نظر تعریف، کشورهای با کیفیت بالای زندگی، از امنیت بالایی برخوردارند. برخی از کشورهای در حال توسعه از ناامنی در بسیاری از حوزه‌های زندگی رنج می‌برند. برای مثال در بخش اقتصاد، سرمایه‌گذاران در مناطقی که امنیت کافی ندارند سرمایه‌گذاری نمی‌کنند؛ یا در کشورهای که دائماً درگیر جنگ‌های داخلی هستند سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز در حداقل خود باقی می‌ماند. در آخرین شاخص‌های بین‌المللی مربوط به کیفیت زندگی، ایران به دلیل برخورداری از مخاطرات بالای زیست‌محیطی، کاهش امنیت استراتژیک منزلت پایین داشته است. کشور ایران از نظر شاخص‌های مربوط به سطح زندگی، اقتصاد و امور زیر بنایی یکی از کشورهای با موفقیت متوسط به حساب می‌آید. شاخص‌های فرهنگ، فراغت و بهداشت در ایران نمره‌های به مراتب بهتری از کشورهای دیگر دارد. آنچه باعث شده است که ایران به مرتبه‌ی پایین‌تر تنزل پیدا کند، نمره‌های پایین کشور در شاخص‌های "آزادی"، "ریسک‌های محیطی و اقلیمی" و "امنیت" است. ظاهراً متغیر تبیین‌کننده‌ی قابل توجه در رتبه‌بندی و جایگاه ایران، امنیت است. واقعیت این است که این ارقام و رتبه‌بندی جهانی اگر چه فراتر از انتقاد نیست، اما ضرورت توجه بیشتر به امنیت اجتماعی در کشور را گوشزد می‌کند (اولین گزارش ملی توسعه انسانی، ۱۳۷۸: ۳۸-۳۵).

تعریف مشارکت

مشارکت از نظر لغوی به معنی شرکت کردن است. مشارکت، نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر می‌سازد تا بر حوادث مؤثر بر زندگی‌شان تأثیر قاطع بگذارند، به همین خاطر باید از آزادی کامل و از جمله حق اظهار نظر برخوردار باشند و دارای اهمیت و ارزش تلقی شوند. آلن پیرفیت در دیباچه اثر دسته جمعی و مشارکت چیست می‌نویسد: مشارکت مورد مشورت قرار گرفتن قبل از تصمیم‌گیری را گویند به نحوی که اظهار نظر شخصی و اعمال مراقبت در جریان اجرایی این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد (سعیدی، ۱۳۸۲: ۹۲).

از منظر جامعه شناختی مشارکت نوعی فرایند تعاملی چند سویه است. به نظر «سالیبا عمر»، مشارکت مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی - اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی بیشتر، بالا خواهد برد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۲).

مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است (توسلی، ۱۳۸۲: ۶۶). تعاریف دیگری در رابطه با مشارکت ارائه شده است که می‌توان به برخی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر اشاره نمود:

به نظر «آلموند» و «پاول» فعالیت‌های مشارکت جویانه آن دسته از فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آن‌ها روی سیاست‌گذاری اعمال نفوذ کند (فرهنگی، ۱۳۸۲: ۶۵).

- میسرا (۱۳۶۵) مشارکت را "پدیده‌ای چند بعدی شامل صیانت نفس، قدرت تصمیم برای خود و تسلط بر نفس" می‌داند (میسرا، ۱۳۶۵: ۳۳).

انواع مشارکت

از مشارکت بر حسب اهداف، ساختار، کارکردها و... گونه‌های مختلفی ارائه شده است. مشارکت می‌تواند اشکال گوناگونی پیدا کند، نظیر همکاری همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی، ایفای نقش‌های اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقش‌ها ملازمت دارند، همگی مبین مشارکت معمولی در حیات اجتماعی است (بیرو، ۱۳۷۵). با توجه به حوزه عملیاتی مشارکت انواع گوناگونی از آن می‌توان نام برد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. اولین تقسیم‌بندی مربوط به مشارکت سنتی و جدید است.

مشارکت سنتی: این نوع مشارکت بر اساس عرف، عادت و مذهب پدید می‌آید و میان افراد جامعه به شکل نهادهای خودجوش وجود دارد.

مشارکت جدید: در این نوع مشارکت " محرکی" افراد را به فعالیت وا می‌دارد. این محرک معمولاً از جانب سازمان‌های دولتی برای جلب و افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف در قالب برنامه‌های خاصی وارد می‌شود (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۵۱).

سطوح مشارکت

اولین تقسیم‌بندی سطوح مشارکت به سه دسته فعال، انفعالی و خنثی تقسیم می‌شود: مشارکت فعال: که تقاضا بر اساس آگاهی صورت گرفته و نوعی حمایت از آن وجود دارد. مشارکت انفعالی: که از کودکی به صورتی تربیت می‌شود که تقاضا نداشته باشد ولی در زمان لازم حمایت کنند. مشارکت

خنثی: که فرد نه تقاضا دارد و نه حمایت می‌کند؛ زیرا از کودکی یاد گرفته که در امور اجتماعی دخالت نکند و دیدی منفرد نسبت به آن داشته باشد (قربانی، ۱۳۷۶: ۲۲).

مشارکت از لحاظ عملیاتی نیز دارای سطوحی است: ۱- مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت: در این زمینه مشارکت افراد را می‌توان به موارد زیر تقسیم‌بندی کرد: تعیین اهداف، گرفتن تصمیمات، گشودن دشواری‌ها، پدیدآوردن دگرگونی در مجموعه؛ ۲- مشارکت در تأمین مالی هزینه انجام طرح‌ها؛ ۳- مشارکت در تأمین نیروی انسانی (رهبر، ۱۳۸۴: ۳۴).

مبانی نظری مشارکت

نظریه‌های مربوط به مشارکت اجتماعی به حدی پراکنده و عمومی هستند که از یک طرف با قدری اغماض می‌توان گفت که اکثر نظریه‌های جامعه‌شناختی بخشی از مباحث خود را به شکل غیر مستقیم به تبیین مشارکت اختصاص داده‌اند و از طرف دیگر با مقدار احساسیت بیشتر می‌توان گفت مطلب چندان زیادی در بین جریان‌های اصلی جامعه‌شناختی در زمینه مشارکت وجود ندارد. با این وجود اندیشه‌گران با زمینه‌های گوناگون دینی، فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، سیاسی، سازمانی و اقتصادی، دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص مشارکت ارائه داده‌اند که در ادامه به بررسی هریک می‌پردازیم. با توجه به اینکه در این تحقیق در پی بررسی راهکارهای جلب مشارکت مردمی با نیروی انتظامی هستیم، بر این اساس، با تکیه بر نظریه‌های مشارکت این مسئله را مورد ارزشیابی قرار می‌دهیم. البته قبل از آن، مشارکت را در مکاتب ساخت‌گرایی، کارکردگرایی و تضاد و همچنین از دیدگاه فرهنگی و روان‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مکتب ساخت‌گرایی^۲: این مکتب معتقد است که مشارکت اجتماعی مردم جزئی از ساخت اجتماعی هر جامعه را تشکیل می‌دهد. از نظر صاحب‌نظران این مکتب، روابط پایدار نهادینه شده در جامعه‌اند که میزان مشارکت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مشارکت اجتماعی توده مردم، ساخت جامعه را حفظ می‌کند و موجب بقا و ادامه حیات آن‌ها می‌شود. برای بالا بردن مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه باید تغییرات اساسی در ساخت‌های گوناگون جامعه ایجاد شود (طوسی، ۱۳۷۲: ۵۲).

مکتب کارکردگرایی

کارکردگرایی عموماً رویکردی متفاوت داشته و به منظور فهم حیات اجتماعی، نمی‌خواهد نظام اجتماعی را در هم شکسته و به کوچک‌ترین اجزاء تقلیل دهد، بلکه در صدد است ماهیت در هم تافته،

زنده و متقابلاً سازگار یک نظام اجتماعی را در کلیتش بفهمد. این امر مستلزم آن است که در اجزاء، وحدتی باز شناخته شده تا بر اساس آن، اجزاء و کل در هم تنیده شده و یک هویت به دست آورده شود. در تحلیل‌های کارکردگرایی (به ویژه در تحلیل نهادها) باید به سطوح متعدد تحلیل کارکردگرایی توجه نمود. تحلیل کارکردی در پایین‌ترین سطح با نقش فرد سر و کار دارد. در این مکتب، نقشی که هر جزئی از ساخت اجتماعی در رابطه با کل در جهت یکپارچگی ایفا می‌کند، حائز اهمیت است (اوکلی ومارسدن، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

مکتب تضاد^۴

مکتب تضاد در جامعه‌شناسی که بر اساس دیالکتیک پایه نهاده شده است یکی از مکاتبی است که بحث‌های عمده‌ای را در جامعه‌شناسی به خود اختصاص داده است اساس شکل‌گیری این مکتب در دوران معاصر در تقابل و نقد بر مکتب فونکسیونالیسم یا کارکردگرایی شکل گرفته است. اصحاب این مکتب که محوری‌ترین آنان مارکس می‌باشد، وارثان فکری فیلسوفان یونان باستان و هگل هستند. از مفاهیم اساسی در این مکتب مفهوم «طبقه» و «تضاد طبقاتی» است که بر خلاف مکاتب پیشین خود قائل به اجماع و یگانگی میان طبقات اجتماعی نیستند بلکه اصل هر جامعه‌ای را «تضاد» می‌دانند و تضاد را عامل حرکت تاریخ معرفی می‌کنند. این مکتب مشارکت اجتماعی را در قالب روابط طبقاتی، مبادله نابرابر و کشمکش و ستیز میان گروه‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان مکتب تضاد، روح جمعی و انسجام اجتماعی را مورد غفلت قرار می‌دهند. این مکتب، معنای عام و واقعی مشارکت را در جامعه‌ای آرمانی و بی‌طبقه جست‌وجو می‌کند (همان: ۱۱۸).

دیدگاه‌های فرهنگی^۵

این دیدگاه جنبه‌های پویایی مشارکت را بر حسب ایجاد تغییرات در ساخت هنجارهای جامعه، به خصوص مجموعه‌ای از ارزش‌ها که مانع یا مشوق مشارکت اجتماعی می‌شوند، بررسی می‌کند. در این دیدگاه‌ها اهمیت متغیرهای ساختی انکار نمی‌شود ولی ارزش‌های فرهنگی پیش‌نیاز اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب می‌شوند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۲۰۷).

دیدگاه روان‌شناختی^۶

^۴- Conflict

^۵- Cultural Perspectives

^۶- Psychological Perspectives

این دیدگاه افزایش مشارکت در جامعه را ناشی از تغییر در نگرش، افکار و شخصیت افراد می‌دانند. به منظور بالا رفتن میزان مشارکت مردم در جامعه، ایجاد سلسله تغییرات مطلوبی در ساخت شخصیت آن‌ها الزامی است. در این دیدگاه، تأکید بر الگوهای تغییر در سیستم اعتقادات و خصوصیات شخصیتی است، مردم باید از نظر روانی، انگیزه کسب موفقیت بیشتر را داشته باشند. از نظر انگلس^۷ انسان مدرن، شهروندی مشارکت‌کننده، آگاه، مستقل، خودمختار و قابل انعطاف است و نسبت به انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت کامل می‌کند (همان: ۲۴۵).

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین راهکارهای جلب مشارکت‌های مردمی با پلیس از دیدگاه شهروندان و کارشناسان انتظامی تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۲- بین راهکارهای جلب مشارکت‌های مردمی با پلیس از دیدگاه مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۳- بین راهکارهای جلب مشارکت‌های مردمی با پلیس از دیدگاه افراد بر حسب سابقه مشارکت آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۴- بین راهکارهای جلب مشارکت‌های مردمی با پلیس از دیدگاه افراد بر حسب وضعیت شغلی آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۵- بین راهکارهای جلب مشارکت‌های مردمی با پلیس از دیدگاه افراد بر حسب سطح تحصیلات آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

با توجه به اینکه هدف این تحقیق بررسی راهکارهای جلب مشارکت مردمی با پلیس می‌باشد و به مسئولین نیروی انتظامی در یاری رساندن به فرایند تصمیم‌گیری در برقراری نظم و امنیت و ارتقای امنیت اجتماعی کمک می‌نماید به لحاظ طرح تحقیقی در زمره طرح‌های توصیفی^۸ است. این طرح‌ها شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹). و با توجه به اینکه تحقیق حاضر به توسعه دانش کاربردی می‌پردازد از نوع کاربردی^۹ است، چرا که هدف این تحقیق نیز توسعه دانش کاربردی در زمینه مشارکت مردمی

^۷- Engels

^۸- Descriptive Research

^۹- Applied Research

با پلیس در برقراری نظم و امنیت و ارتقای امنیت اجتماعی می‌باشد. همچنین از آنجایی که به تحلیل وضعیت موجود، توصیف منظم مشارکت مردم بوشهر و ارائه راهکارهایی برای مشارکت آنان با پلیس و درمقطع زمانی حاضر و به صورتی واقعی می‌پردازد از نوع پیمایشی^{۱۰} است. این تحقیق برای بررسی توزیع ویژگی‌های جامعه آماری مردم و دانستن اینکه وضعیت فعلی مشارکت آنان چگونه است و چه راهکارهایی را می‌توان برای مشارکت مردم با پلیس ارائه داد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در این تحقیق علاوه بر اطلاعات کتابخانه‌ای که به منظور دستیابی به پیشینه تحقیق و مباحث نظری انجام گرفت، در مرحله میدانی به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از دو پرسش‌نامه محقق ساخته به شرح زیر استفاده گردید:

۱. پرسش‌نامه ویژه کارشناسان و کارکنان انتظامی (جهت تعیین عوامل موثر در

مشارکت، تعیین زمینه‌های مشارکتی شهروندان و راهکارهای جلب مشارکت مردمی با پلیس در ارتقای امنیت اجتماعی)؛

۲. پرسش‌نامه ویژه شهروندان (جهت تعیین: میزان مشارکت؛ عوامل موثر بر

مشارکت؛ تعیین زمینه‌های مشارکتی آنان؛ راهکارهای جلب مشارکت مردم با پلیس).

برای تعیین روایی^{۱۱} پرسشنامه‌ها با نظر خواهی از استاد راهنما و متخصصان، روایی صوری و محتوایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت. و برای محاسبه پایایی^{۱۲} پرسشنامه‌ها از آلفای کرونباخ^{۱۳} استفاده گردید. ضریب آلفا برای هر کدام از ابعاد جلب مشارکت مردمی در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول ۱: ضریب آلفا ابعاد جلب مشارکت مردمی.

کل پرسشنامه	ارائه خدمات تشویقی توسط پلیس	رعایت حقوق شهروندی از سوی پلیس	اقدامات نظارتی پلیس	کیفیت خدمات پلیس	آموزش و فرهنگ‌سازی	ارتقاء سرمایه اجتماعی	ابعاد جلب مشارکت

۱۰- Survey Research

۱۱- Validity

۱۲- Reliability

۱۳- Cronbachs Coefficient Alpha

مقدار آلفا	۰/۸۵۸	۰/۸۸۰	۰/۸۹۲	۰/۸۸۶	۰/۸۴۶	۰/۷۱۵	۰/۹۶۱
---------------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------

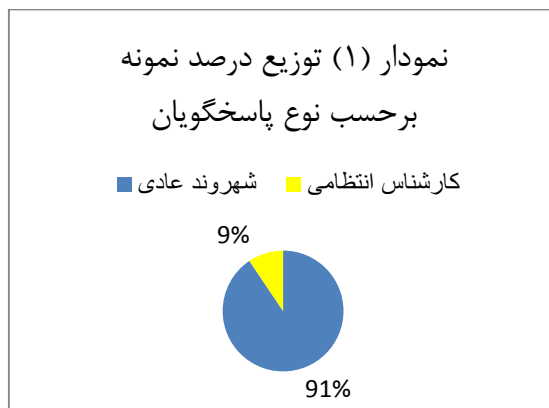
جامعه آماری تحقیق را دو دسته از افراد تشکیل می‌دهد: ۱. مدیران و کارشناسان انتظامی شهرستان بوشهر با حجم ۴۰ نفر و ۲. شهروندان شهرستان بوشهر؛ طبق برآورد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان در سال ۱۳۹۴ با حجم ۲۷۵۹۲۲ نفر، که از این تعداد ۲۳۶۹۴۳ نفر در نقاط شهری و ۳۸۹۷۹ نفر در نقاط روستایی بودند. برای تعیین حجم نمونه مورد نیاز جامعه مدیران و کارشناسان نیروی انتظامی به دلیل مشخص و محدود بودن تعداد نفرات، از سرشماری، و حجم نمونه شهروندان شهرستان بوشهر نیز از جدول نمونه‌گیری کوکران استفاده گردید. که در نهایت حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر شد (۳۳۰ نفر شامل ۱۷۲ مرد و ۱۵۸ زن در مناطق شهری و ۵۴ نفر شامل ۲۸ مرد و ۲۶ زن در مناطق روستایی). روش نمونه‌گیری شهروندان، طبقه‌ای چند مرحله‌ای بود بدین گونه که ابتدا سه شهر (بوشهر، عالی شهر و چغادک) به ترتیب به ۶، ۳ و ۴ منطقه تقسیم و با مراجعه به شهرداری هر منطقه و گرفتن تعداد بلوک‌های مناطق و شماره‌گذاری آن‌ها، مجموعاً تعداد ۱۱ بلوک به صورت تصادفی انتخاب و در هر بلوک تعداد مورد نیاز نمونه به صورت تصادفی انتخاب گردید. و از میان روستاها، ۶ روستا به صورت تصادفی و با توجه به پلاک خانوار تعداد ۹ خانوار از هر روستا به صورت تصادفی انتخاب شد. در هر مرحله برای انتخاب نمونه از انتساب متناسب استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

جدول ۲: چگونگی توزیع بر اساس نوع پاسخگویان

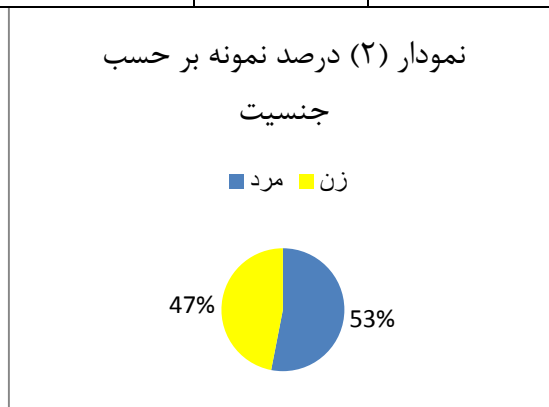
پاسخگو	فراوانی	درصد
شهروند عادی	۳۸۴	۹۰/۵
کارشناس انتظامی	۴۰	۹/۵
جمع	۴۲۴	۱۰۰



با توجه به داده‌های جدول و نمودار فوق ۹۰/۵٪ از پاسخگویان شهروندان عادی می‌باشند و تعداد ۴۰ نفر برابر با ۹/۵٪ دیگر از کارشناسان انتظامی فرماندهی انتظامی استان بوشهر هستند.

جدول ۳: چگونگی توزیع پاسخگویان بر اساس جنسیت

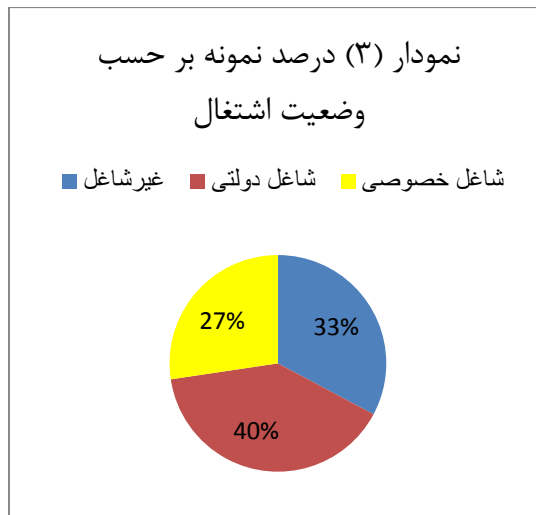
جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۲۲۵	۵۳/۱
زن	۱۹۹	۴۶/۹
جمع	۴۲۴	۱۰۰



داده‌های جدول و نمودار بالا بیانگر آن است که تعداد ۲۲۵ نفر از پاسخگویان برابر با ۵۳/۱٪ از کل پاسخگویان مرد می‌باشند و تعداد ۱۹۹ نفر دیگر که ۴۶/۹٪ از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند زن می‌باشند.

جدول ۴: چگونگی توزیع پاسخگویان بر اساس وضعیت اشتغال

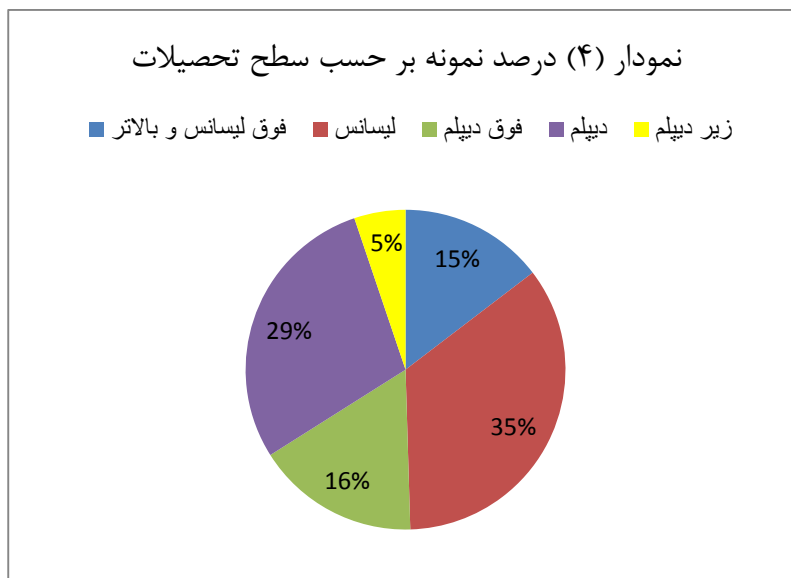
وضعیت شغلی	فراوانی	درصد
غیر شاغل (بیکار / خانه‌دار)	۱۳۹	۳۲/۸
شاغل بخش دولتی	۱۶۹	۳۹/۹
شاغل بخش خصوصی	۱۱۶	۲۷/۴
جمع	۴۲۴	۱۰۰



داده‌های جدول و نمودار بالا دلالت بر این دارد که تعداد ۱۳۹ نفر از پاسخگویان برابر با ۳۲/۸٪ از پاسخگویان غیر شاغل، تعداد ۱۶۹ نفر معادل با ۳۹/۹٪ شاغل بخش دولتی و تعداد ۱۱۶ نفر دیگر معادل با ۲۷/۴٪ از پاسخگویان نیز در بخش‌های دولتی به فعالیت مشغول می‌باشند.

جدول ۵: چگونگی توزیع پاسخگویان بر اساس سطح تحصیلات

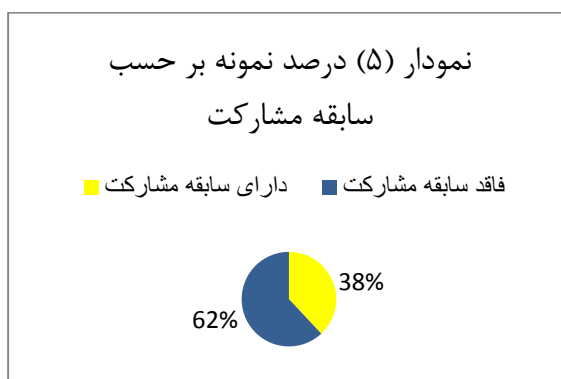
تحصیلات	زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر	جمع کل
فراوانی	۲۲	۱۲۲	۷۰	۱۴۸	۶۲	۴۲۴
درصد	۵/۲	۲۸/۸	۱۶/۵	۳۴/۹	۱۴/۶	۱۰۰



بر اساس اطلاعات مندرج در جدول و نمودار فوق تعداد ۲۲ نفر از پاسخگویان معادل ۵/۲ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم هستند، تعداد ۱۲۲ نفر معادل با ۲۸/۸ درصد دیپلمه، ۷۰ نفر برابر با ۱۶/۵ درصد فوق دیپلم، ۱۴۸ نفر برابر با ۳۴/۹ درصد لیسانس و در نهایت ۶۲ نفر معادل با ۱۴/۶ درصد نیز فوق لیسانس یا بالاتر می‌باشند.

جدول ۶: چگونگی توزیع پاسخگویان بر اساس سابقه مشارکت آنان در انجمن‌ها و گروه‌ها

وضعیت مشارکت	فراوانی	درصد
بلی	۱۴۶	۳۸
خیر	۲۳۸	۶۲
جمع	۳۸۴	۱۰۰



با توجه به اعداد جدول و نمودار بالا تعداد ۱۴۶ نفر از شهروندان برابر با ۳۸ درصد آنان با انجمن‌ها و گروه‌ها، داوطلبانه مشارکت و همکاری داشته‌اند و تعداد ۲۳۸ نفر برابر با ۶۲ درصد از مجموع پاسخگویان تاکنون با انجمن‌ها و گروه‌ها هیچ‌گونه زمینه‌ی همکاری و مشارکت نداشته‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

- آمار استنباطی

جدول ۷: آزمون تفاوت معناداری بین ارزیابی شهروندان و کارشناسان انتظامی در

خصوص راهکارهای جلب مشارکت مردمی

پاسخگویان	تعداد	میانگین	t	df	sig
شهروند	۳۸۲	۳/۷۰	-۳/۱۵۲	۴۲۰	۰/۰۰۲
کارشناس	۴۰	۴/۰۷			

مقدار sig در جدول فوق بیانگر وجود تفاوت بین ارزیابی شهروندان و کارشناسان می‌باشد. بنابراین فرضیه تأیید می‌گردد و می‌توان با ۹۵٪ اطمینان آن را به جامعه آماری مورد بررسی تعمیم داد.

جدول ۸: آزمون تحلیل واریانس یک طرفه پیرامون سطح تحصیلات پاسخگویان و ارزیابی آن‌ها از راهکارهای جلب مشارکت مردمی

سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	St.d	F	sig
راهنمایی و کمتر	۲۲	۳/۸۴	۰/۴۴۸	۴/۴۸۰	۰/۰۰۱
دیپلم	۱۲۰	۳/۶۰	۰/۷۹۲		
کاردانی	۶۸	۳/۷۲	۰/۷۱۵		
کارشناسی	۱۴۱	۳/۶۸	۰/۶۹۶		
ارشد و بالاتر	۵۷	۴/۰۶	۰/۶۱۸		

بر اساس مقادیر sig و F موجود در جدول فوق چنین نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت معناداری آماری بین میانگین ارزیابی راهکارها در گروه‌های تحصیلی مختلف وجود دارد.

جدول ۹: آزمون شفه پیرامون سطح تحصیلات پاسخگویان و ارزیابی آن‌ها از راهکارهای جلب مشارکت مردمی

مدرک تحصیلی	راهنمایی و کمتر	دیپلم	کاردانی	لیسانس	ارشد و بالاتر
راهنمایی و کمتر	۰/۷۰۸	۰/۹۷۳	۰/۹۲۲	۰/۸۰۹
دیپلم	۰/۲۴۱	۰/۸۷۷	۰/۹۱۷	۰/۰۰۳
کاردانی	۰/۱۲۳	-۰/۱۱۸	۰/۹۹۹	۰/۱۱۵
لیسانس	۰/۱۵۵	-۰/۰۸۵	۰/۰۳۲	۰/۰۲۱
ارشد و بالاتر	-۰/۲۲۴	۰/۴۶۳	-۰/۳۴۷	-۰/۳۸۰

به منظور بررسی و تعیین تفاوت در بین پاسخگویان با سطح تحصیلات متفاوت از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است. بر این اساس تفاوت معناداری بین میانگین پاسخگویان با مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر نسبت به دارندگان مدرک تحصیلی دیپلم و کارشناسی وجود دارد.

جدول ۱۰: آزمون تفاوت معناداری بین ارزیابی شهروندان دارای سابقه مشارکت و شهروندان فاقد سابقه مشارکت اجتماعی، در خصوص راهکارهای جلب مشارکت مردمی

سابقه‌ی مشارکت شهروندان	تعداد	میانگین	t	df	sig
بلی	۱۴۶	۳/۶۸	-۰/۴۰۷	۳۸۰	۰/۶۸۴
خیر	۲۳۶	۳/۷۱			

مقدار sig در جدول فوق بیانگر عدم تفاوت بین ارزیابی پاسخگویان دارای سابقه مشارکت و پاسخگویان فاقد سابقه مشارکت می‌باشد. بنابراین فرضیه تأیید نمی‌گردد و نمی‌توان نتیجه حاصل را به جامعه آماری مورد بررسی تعمیم داد.

جدول ۱۱: آزمون بررسی رابطه بین میزان مشارکت اجتماعی کارشناسان انتظامی با چگونگی ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی

میزان مشارکت کارشناسان / میزان ارزیابی راهکارها	value	sig
		۰/۰۲۱

مقدار sig در جدول فوق بیانگر عدم تفاوت بین میزان مشارکت کارشناسان انتظامی و میزان ارزیابی راهکارهای پیشنهادی می‌باشد. بنابراین فرضیه تأیید نمی‌گردد. به عبارت دیگر میزان مشارکت کارشناسان انتظامی در فعالیتهای داوطلبانه رابطه‌ای با میزان ارزیابی آنها از راهکارهای پیشنهادی ندارد.

جدول ۱۲: آزمون شفه پیرامون گروه سنی پاسخگویان و ارزیابی آنها از راهکارهای جلب مشارکت مردمی

وضعیت شغلی	بیکار / خانه‌دار	کارمند دولت	بخش خصوصی
بیکار / خانه‌دار	۰/۰۰۰	۰/۴۰۷
کارمند دولت	- ۰/۳۲۲	۰/۰۰۰
بخش خصوصی	۰/۱۱۷	۰/۴۵۰

به منظور بررسی و تعیین تفاوت در بین گروه‌های شغلی از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است. بر این اساس تفاوت معناداری بین میانگین گروه شغلی کارمندان دولت نسبت به پاسخگویان بیکار و شاغلین بخش خصوصی وجود دارد.

جدول شماره ۱۳: آزمون تفاوت معناداری بین ارزیابی پاسخگویان زن و مرد در خصوص

راهکارهای جلب مشارکت مردمی

جنسیت	تعداد	میانگین	t	df	sig
مرد	۲۲۳	۳/۷۰	-۰/۷۹۲	۴۲۰	۰/۴۲۹
زن	۱۹۹	۳/۷۶			

مقدار sig در جدول فوق بیانگر عدم تفاوت بین ارزیابی زنان و مردان از راهکارهای پیشنهادی می‌باشد. بنابراین فرضیه تأیید نمی‌گردد و نمی‌توان نتیجه حاصله را به جامعه آماری مورد بررسی تعمیم داد.

بحث و نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل اطلاعات توصیفی بیانگر آن است که بر اساس ارزیابی به عمل آمده :

- میانگین نمره کارشناسان انتظامی برابر با ۴/۰۷ و نمره شهروندان ۳/۷۰ می‌باشد.
- میانگین نمره مردان برابر با ۳/۷ و نمره زنان ۳/۷۶ می‌باشد.
- بر حسب وضعیت شغلی، شاغلان بخش خصوصی نسبت به دیگر گروه‌ها راهکارها پیشنهادی جهت جلب مشارکت را مفید تر ارزیابی نموده‌اند. زیرا نمره شاغلان بخش خصوصی برابر با ۳/۹۷ می‌باشد. در صورتی که برای افراد بیکار و خانه‌دار برابر با ۳/۶۳ و برای کارکنان دولتی نیز ۳/۵۲ می‌باشد.
- نمره ارزیابی راهکارها بر حسب سطح تحصیلات پاسخگویان به ترتیب بدین قرار است: فوق‌لیسانس و بالاتر ۴/۰۶- زیر دیپلم ۳/۸۴- فوق دیپلم ۳/۷۳- لیسانس ۳/۶۸ و دیپلم ۳/۶۰.
- نمره ارزیابی راهکارهای برای پاسخگویانی که سابقه مشارکت و همکاری در فعالیت‌های اجتماعی داشته‌اند برابر با ۳/۸۶ و پاسخگویان فاقد زمینه‌ی مشارکت برابر با ۳/۷۱ می‌باشد.
- اولویت راهکارهای پیشنهادی برای جلب مشارکت مردم با پلیس از دیدگاه شهروندان به ترتیب عبارتند از: ارتقاء سرمایه‌ی اجتماعی با میانگین ۳/۷۵- کیفیت ارائه خدمات توسط نیروی انتظامی و میزان رعایت حقوق شهروندان برابر با ۳/۷۳- آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه

مشارکت توسط نیروی انتظامی با میانگین ۳/۶۹- ارائه خدمات تشویقی به افراد مشارکت کننده برابر با ۳/۶۲ و در نهایت اقدامات نظارتی و پیشگیرانه پلیس در وقوع جرائم برابر با ۳/۵۷ می‌باشد. - اولویت راهکارهای پیشنهادی برای جلب مشارکت مردم با پلیس از دیدگاه کارشناسان به ترتیب عبارتند از: ارتقاء سرمایه‌ی اجتماعی با میانگین ۴/۲۶- کیفیت ارائه خدمات توسط نیروی انتظامی برابر با ۴/۱۴- میزان رعایت حقوق شهروندان برابر با ۳/۹۹- آموزش و فرهنگ‌سازی توسط نیروی انتظامی در زمینه مشارکت با میانگین ۳/۹۶- اقدامات نظارتی و پیشگیرانه پلیس در وقوع جرائم برابر با ۳/۹۰ و در نهایت ارائه خدمات تشویقی به افراد مشارکت کننده برابر با ۳/۷۸ می‌باشد.

پیشنهادها

توجه به رویکرد مشارکتی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تعامل و همکاری پلیس و مردم را افزایش می‌دهد. حاصل توسعه این تعامل و همکاری، هم برای ناجا و هم برای مردم دستاوردهای قابل توجهی را به همراه خواهد آورد. در سطح سازمانی، توجه به رویکرد جامعه محوری در اجرای مأموریت‌های مختلف نیروی انتظامی، سبب می‌گردد افراد و گروه‌های اجتماعی در برنامه‌ها و مأموریت‌های نیروی انتظامی که نیاز به همکاری مردم دارد، مشارکت نمایند. در سطح اجتماعی نیز بالطبع، نتیجه همکاری و مشارکت مردم آثار بسیار سودمندی را برای خود مردم در برداشته و دارد. با توجه به نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آمار توصیفی و آمار استنباطی پیشنهادهایی بدین شرح ارائه می‌گردد:

- ارتقای آگاهی و آشنا نمودن مردم با مأموریت‌ها و عملکرد ناجا و لزوم مشارکت از طریق رسانه‌ها و جلسات آموزشی.

- ارتقاء سطح فرهنگی مأموران از طریق جذب نیروهای با تحصیلات بالا .

- حق شناسی و انجام اقدامات تشویقی

- تقویت روحیه انتقاد پذیری و نظرخواهی مستمر از مردم و اجرای طرح‌های مردم محور

- ارائه اطلاعات دقیق و جامع از وقایع و همچنین عملکرد پلیس به مردم

- ایجاد آرامش روحی و روانی در جامعه (از طریق ارائه و نمایش خدمات مثبت پلیس، عدم

جبهه‌گیری در برابر مردم و...)

- شناسایی افراد ذی‌نفوذ، متشخص و دارای قدرت اقناعی و فضایل اخلاقی در هر محله و بخش و تشکیل جلسات و گردهمایی‌هایی با حضور آنان به منظور دریافت نظرات، پیشنهادات و راهکارهای سازنده‌شان در رفع مسائل و پیشگیری از جرائم

- بهره‌گیری از اساتید مجرب به منظور آموزش مداوم نیروهای انتظامی در قالب دوره‌های کوتاه مدت؛ در جهت آشنایی هر چه بیشتر کارکنان انتظامی با مباحث حقوق شهروندی، راهکارهای ارتقاء امنیت اجتماعی و چگونگی جلب اعتماد مردم نسبت به پلیس.

منابع

- ۱- انصاری، حمید(۱۳۸۲). پژوهشی در عوامل موثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا در شهرستان تهران. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- ۲- بیرو، آلن(۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۳- توسلی، غلام عباس(۱۳۸۲). کارکنان صنعتی در کارخانه(مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۴- دفتر هماهنگی توسعه آموزش و پرورش (۱۳۷۸). مشارکت در آموزش و پرورش. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

۵- رجب زاده، عزیز الله (۱۳۸۹). مشارکت مردم ضامن امنیت است. ([www. Police.ir](http://www.Police.ir))

۶- رهبر، غلامرضا (۱۳۸۴). مدیریت مشارکتی. تهران: مرکز آموزش پیام توسعه.

۷- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی. تهران: سمت.

۸- فرهنگ، علی‌اکبر (۱۳۸۲). بررسی نظری موانع اجتماعی و فرهنگی مشارکت. تهران: نشر.

۹- قربانی، محمد (۱۳۷۶). مشارکت اجتماعی در اداره امور شهر. تهران: انتشارات ارسباران.

۱۰- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت کارکنان در اداره امور شهرها. تجارب جهانی و ایران. جلد اول. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.

۱۱- غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران: نزدیک.

۱۲- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۹). مدیریت و مشارکت کارکنان. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۱۳- کرامتی و ملتفت (۱۳۸۶). مشارکت مردم در انجام وظایف ناجا. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ناجا. ۳۶۷-۴۱۹

۱۴- محمدی، غفار (۱۳۸۹). مشارکت مردم با نیروی انتظامی امنیت را به دنبال دارد. خبرگزاری حوزه تخصصی دین. چهارشنبه ۱۱ مهرماه.

۱۵- میسرا، ب (۱۳۶۵). مشارکت مردمی. نشریه جهاد، شماره ۸۹، سال ۶.

۱۶- وروایی، اکبر (۱۳۸۴). پلیس جامعه محور، مطالعه تطبیقی شیوه‌های جلب مشارکت مردمی در تأمین نظم عمومی و امنیت اجتماعی. تهران: معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا